

بسم الرب فاطمه الزهرا(س)

بیانیه اجلاسیه بانوان کنگره ملی نقش امام خمینی(ره) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی

۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۹۸

زن به عنوان یک عنصر مؤثر و نیسی از جامعه و بخشی از هویت انسانی همواره در طول تاریخ مورد توجه و آزمون اندیشمندان و جامعه شناسان و مکاتب و حکومت ها بوده است.

نقطه ثقل نظر به این هویت در اغلب آراء و فرآیندها، یا نگاه های ابزار ی بوده است و یا نگاه های متحجرانه قرون وسطایی و آنچه مغفول بوده نگاه ی است که شان انسانی و شخصیت اجتماعی زن را توامان می بیند و می خواهد.

تنها پاسخگوی این مطالبه ی مغفول، اندیشه ای بوده است که منشاء از وحی الهی و خالق ربوبی دارد و در میان افراط و

تفریط نسخه های معیوب بشری، آن تفکری که زن را به عنوان یک مخلوق شرافتمند دانسته و به انسانیت او بیش از

جنسیتش توجه دارد و به کرامت زن حتی بیش از مرد بها می دهد اسلام است؛ و روشن است که جوامع مریضی که

زن را ابزار امیال و کالای سود آور برای خود می خواهند این نگاه را بر نمی تابند و رونق آن را به ضرر خود می بینند و از

این رو همواره در صدد ارائه تفکراتی با پوشش اسلام اما محتوای پوچ غربی بر آمده اند.

کار آمدی و صحت نگرش اسلام نسبت به زن و سازگاری آن با عقل و فطرت، تفکرات اومانیسیمی و منفعت طلب

را سخت به تکلپو انداخت و خود را مواجه با خطر بزرگی دیدند که نابودی اباطیل پوچ و شیطانی شان را در پی داشت.

از این رو برای مقابله با این برداشت ناب و زلال از زن، توطئه‌ای سنگین آغاز کردند تا مانع گسترش و عالم‌گیری این نگاه توحیدی و فطری شوند.

این چنین بود که کارزاری بزرگ در گرفت و شیطان با تمام جنودش برای خاموشی حق به صحنه آمد.

مغرضان و هواپرستان و مادی‌نگران در هزاران بوق شیطانی دمیدند و با صدها حيله و ترفند در فریب انسان و غفلت‌گستری او کوشیدند.

هزاران ابزار رسانه‌ای و تبلیغاتی را به کار گرفتند تا باطل را به ظاهر حق بزرگ کنند و این چنین فطرت حق طلب بشری را آلوده به اغوائت و القاءات کنند و تخم هوس پرستی و خودمحوری پیراکنند تا در سایه غلبه خواب و توهم و جهالت بر انسان، شیطان و ایادی اش حکمران مطلق باشند.

و این سرنوشتی بود که دامن‌گیر بشر و زن شد و می‌رفت که تا همیشه انسان و جهان را در برگیرد و وجدان‌های غفلت‌زده را برای همیشه خاموش کند که ناگاه دست خدای متعال و تقدیر، اسلام ناب را قرعه کرد.

مردی از قم و زنان و مردانی بر گرد او چونان پاره‌های پولاد قیام کردند و طرحی نو برای انسان و انسانیت در انداختند که لرزه بر اندام کفر و شرک و نفاق و نفس پرستی انداخت و بساط الحادی و ابهت پوشالی شیطان را درهم شکستند.

خمینی کبیر و انسان انقلابی مکتب او در میانه‌ی میدان ظلمت‌زده تفکرات فمینیستی و سایر ایسم‌هایی که جنسشان شهوت بود و منفعت، انقلابی در افکندند سرشار از حرف‌های بدیع و بکر که شیرین و دلنشین بر جان انگیزه‌ها و وجدان‌های بیدار نشست و بار دیگر الگوی تمام‌عیار و ناب زن مسلمان مجاهد بر پهنه جهان نشست.

این چنین بود که انسان انقلاب اسلامی چارچوب‌های باطل مرسوم را در نوردید و در نظر و عمل راهی جدید برای بشر معاصر گشود، که هم مطابق آرمان‌های انسانی بود و هم پاسخگوی واقعیت‌های زندگی.

انقلاب اسلامی نهضتی فراگیر و جامع بود که مهم‌ترین ویژگی‌اش این بود که در عین اصالت و حیانی بودنش مدرن و مترقی هم بود.

هم الهی بود و هم مردمی. هم نگاه شرافتمندانه به زن داشت و هم او را یک عنصر مؤثر و کارآمد و مهم در جامعه می‌خواست.

در عین این که زن را در متن و مرکز می‌دید او را با کرامت می‌خواست و مانع نگاه ابزاری به او بود.

درست نقطه مقابل سایر تفکرات که زن را چه از روی دلسوزی و چه نگاه منفعت‌طلب به خاطر ویژگی‌هایی خاص محور می‌دانند.

این نگاه نو به سرعت راه خود را یافت و از آنجا که بر محور فطرت پاک انسان مبتنی بود پذیرفته شد و «الگوی زن مسلمان مجاهد» شکل گرفت.

هر چند پیش از این، اسلام عزیز این الگورا ارائه کرده بود و در طول تاریخ، از صدر اسلام تا ظهور و گسترش آن به اروپا و سایر نقاط، نسل به نسل و سینه به سینه منتقل شده و پیش رفته بود و به مدد قوت فطری و عقلی محتوای اسلام و جهاد اصحاب اهل حق، با تیزی و دقت فراوان و رصد لحظه به لحظه نیازهای زمان، این الگوی ناب از تلاش حکومت‌های بزدل و غرب‌گرا چون قاجار و پهلوی برای انحرافش محافظت شده بود و خود را پویا با زمانه پیش می‌برد.

اما آنچه که به طور خاص به بسط «الگوی زن مجاهد مسلمان» کمک کرد و در سده‌ی اخیر به آن جان و روح دوباره بخشید تکمیل این پدیده و الگوی فراگیر در بستر جامعه‌ای پویا مثل ایران بود.

انقلاب اسلامی علاوه بر بازتعریف نگرش ناب اسلام به زن، آن را در میدان عمل به منصفه ظهور رساند و در پی آن، بستری که این الگوی مطمئن را رشد داد و هر چه بیشتر به همگان ثابت کرد و نشان داد که چقدر با نیازهای زمانه سازگار شده است، جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بود.

عرصه‌ای شگرف و استثنایی که برای بشر مقهور و اسیر ساختارهای زندگی مدرن غربی و در عصر فراموشی خدا، شبه‌ای از کرامات انسان کامل را به نمایش گذاشت.

چهره‌ای متعالی از انسان تربیت شده انقلاب اسلامی که صرف حضور و وجودش باطل السحر همه بافته‌های به ظاهر علمی غربی از زن بود و تمام آن انحطاط به ظاهر ترقی را به حاشیه برد و نقش واقعی زن در جامعه را به نمایش گذاشت.

از دل دفاع مقدس «زن مجاهد مسلمان» سر بر آورد که نه یک عنصر ضعیف و احساسی و بدون تفکر بود و نه آنگونه که غرب وانمود می کند عنصری منزوی که در کناری نشسته و ناظر تصمیم گیری دیگران درباره اش است.

زن انقلاب اسلامی و دفاع مقدس حاضر در صحنه و عامل در میدان عمل بود و با حفظ لطافت زنانه و در عین این که زن بود و خواهر بود و مادر بود، تصمیم سازی می کرد و تاریخ را رقم می زد، نسل ها را تربیت می کرد و وارد عرصه عمل می نمود، در عین حفظ حیا و عفاف، اثرگذارترین عنصر جامعه بود، بزرگی ها و کرامت ها آفرید و الگوی تاریخ شد، مستحکم و استوار در میانه میدان ایستاد و به نام زن هویت بخشید، شهید داد و شهادت دید و محکم تر و مطمئن تر به هدف گشت و این چنین بود که نقش آفرین روزگار و الهام بخش تعالی جامعه شد و تاریخ سازی کرد.

این چنین بود که زن مجاهد مسلمان که صدر اسلام با افراد بزرگواری چون حضرت زهرا و حضرت زینب و حضرت خدیجه و نمونه هایی چون بانوی بزرگوار سمیه و سایر بزرگانی چون ایشان که گمنام هستند معرفی می شد.

این بار بعد از قرن ها و پس از دست و پنجه نرم کردن با انواع نقشه ها و فتنه ها برای حذف این الگوها، بعد از ۱۴۰۰ سال دوباره با الهام از همان نمونه ها و بدون تحریف در مقیاسی بزرگ تر در پهنه ی سرزمین ایران تجلی یافت و در صدها شهر و روستا لشگری از فرشتگان را پدید آورد.

مدل زن انقلاب اسلامی و دفاع مقدس آن قدر مملو از غنای نظری و شکوفایی و اثرگذاری عملی بود که به سرعت راه خود را یافت و از دل لبنان تا قلب آفریقا و آمریکا پیش رفت و یک الگوی موفق جامعه شناسی شناخته شد و تا جایی

که اندیشمندان غرب و شرق نتوانستند آن را نادیده بگیرند و مطالعات گسترده برای درک چیستی این ساختار شکنی مبارک و طرح الگوی سوم و متعالی از زن به جریان افتاد.

آنچه ذکر شد عامل و انگیزه برگزاری «اجلاس بانوان کنگره ملی نقش امام خمینی (ره) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی» است و بر اساس موارد مذکور معتقدیم:

۱. گسترش این الگو از وجود زن مسلمان مجاهد در جای جای دنیایی که هیچ پشتیبانی سازماندهی شده از این الگو نمی شود و همه بنگاه های بزرگ رسانه ای دنیا در جهت تضعیف و تهدید آن هستند نشان می دهد این نوع از وجاهت زن مسلمان مجاهد به دلیل برخورداری از زبان مشترکی به نام رجوع به فطرت پاک و لطیف زن، قابلیت کار آمدی و اشتراک گذاری در جوامع مختلف را دارد.

ضرورت معرفی شجاعانه ی این الگوی جهانشمول به همگان در همه پهنه زمین و برای همه انسان ها از وظایف اصلی ما و مجموعه های فعال است.

۲. یکی از ضرورت های اساسی در بسط داخلی و بیرونی این الگو، بازتعریف محتوایی و تغذیه مناسب این الگو با توجه به اقتضایات بومی هر جامعه و نیازها و اولویت های زنان هر جامعه است و باید با عملیات ها و مطالعات میدانی دقیق به این اشتراک گذاری که پیش تر به صورت نامنظم و خودجوش انجام گرفته نظم و اتقان بخشید.

۳. نکته دیگر لزوم به کارگیری روش‌های متناسب با وجود فطری زن و گرفتار نشدن در روش‌هایی است که به نقض

غرض و هدف می‌انجامد و یا روش‌هایی که بر اساس تامین منافع رسانه‌ها دنبال می‌شود.

روش‌هایی که به نظر کارآمد هستند مثل گفتگو و چالش‌های چهره به چهره تعمداً و با فشار رسانه‌ها جای خود را به روش‌های غیرحقیقی و مختصرسازی داده‌اند.

این تهدیدات حتی در نوع انتقال الگوی سوم می‌رساند که باید تحول اساسی در برداشت‌های فعلی از وجود زن و نسبت آن با کل جامعه صورت بگیرد تا حقیقت جایگاه واقعی و والای زن در اسلام روشن شده و تحقق یابد.

۴. حوزه مسائل زن و خانواده از نداشتن متولیان جدی و ملتزم به ضرورت‌های مذکور رنج می‌برد و این یکی از کلیدهای اصلی حل مساله بوده که متاسفانه لاینحل مانده است.

متاسفانه برخی از نهادهای موجود که برای این امر بنیان نهاده شده‌اند به جای مرجعیت فکری برخاسته از هویت فطری و تاریخی و تمدنی کشور، خود منفعل و متأثر از مسائل و جناح‌ها و افراد سیاسی‌اند و با نگاه‌های سیاسی و عوام‌زده مسائل مبنایی را به نفع نگاه خود تغییر می‌دهند و تحریف می‌کنند و بسیاری از ایشان از استقلال فکری و عملی نیز برخوردار نیستند و هنوز صحنه وضعیت مادر مصاف با تمدن غربی را درک نکرده و گرفتار در مکاتب غربی و اندیشه‌های لیبرالی و حتی افکار فمینیستی مانده‌اند.

روشن است که چنین نهادهایی و چنین متولیانی صلاحیت و توانمندی حل و تدبیر و مرجعیت مسائل و چالش‌های این حوزه را ندارند.

از این رو است که راه‌اندازی یک نهاد فراقوه‌ای در حوزه مسائل زن و خانواده که مسائل کلان و مجموعه نیازهای موجود را پاسخگو باشد و محل رجوع و محور مسائل و مجموعه‌ها گردد بسیار ضروریست.

۵. انقلاب اسلامی و دفاع مقدس الگوی نظری اندیشه اسلامی را در عمل به نمایش گذاشت و این خدمتی بزرگ به جامعه زنان بود.

اما در بررسی این نقش هنوز اقدامات در خور و جامع و کامل انجام نشده است.

بسیاری از مشکلات موجود ریشه در این ضعف و خلل دارد.

این الگوی کاربردی و روشن نیاز به بازشناسی و ارائه تصویری کامل از چیستی و چگونگی آن دارد و «بررسی نقش بانوان

در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» یکی از اقدامات راهبردی است که می‌بایست مورد توجه و نظر قرار بگیرد.

۶. برخی از نسل‌های جدید علیرغم آن که دلبسته به هویت اصیل خویش و هستند اما شبهاتی درباره کارآمدی این الگو در ذهن دارند.

تبیین نظری این کارآمدی و بسط آن در قالب‌های مختلف نیز از ضرورت‌های اساسی برای افراد و مجموعه‌های ذی‌ربط است.

این مساله نیز به گسترش بیش از پیش الگوی سوم کمک بزرگی خواهد کرد و اهداف انقلاب اسلامی در این حوزه را

بیش از پیش محقق خواهد کرد. بعون الله و کرمه.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

....